



تحلیل روند جدایی گزینی اکولوژیکی - اجتماعی روستاهای پیرامون محدوده حوزه نفوذ مجموعه کلانشهر تبریز

مهدی عبداللہی، رقیه سالک قهفرخی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز Mehdi.Abdullahi@hotmail.com
دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران Salek2020@gmail.com

چکیده

در برنامه ریزی شهری آنچه که می تواند به تحقق پذیری بیشتر عدالت شهری کمک نماید، توجه به عدالت فضایی و برنامه ریزی هایی است که تمرکز خدمات را عادلانه در مناطق مختلف توزیع نمایند. اما وجه ممیزه و مشخصه شهرنشینی جهان سومی فعلی ناموزونی و بی عدالتی است. پیامد این امر گسترده شدن تفاوت های اجتماعی - اقتصادی در بین شهروندان، شکل گیری سکونت گاه های غیر رسمی و ناهنجاری های اجتماعی را به همراه داشته است. به همین منظور امروزه در مطالعات و برنامه ریزی ها به توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و رفاه شهروندان توجه فراوانی شده است در این راستا وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلانشهرها با نواحی پیرامونی و نقاط روستایی واقع در حوزه نفوذ آنها، به تدریج به تغییراتی در ساختارهای جمعیتی، کارکردی، اقتصادی و نیز کالبدی جوامع و عرصه های روستایی منجر می گردد. کلانشهر تبریز از این قاعده مستثنی نبوده است. بررسی انجام گرفته بر روی روستاهای پیرامون کلانشهر تبریز نشان داد که پدیده جدایی گزینی که متأثر از ساختار اجتماعی - اقتصادی روستا به طور خاص و ساختار سیاسی در سطح کلانشهر تبریز به طور عام شکل گرفته است؛ سبب گردید تا نظام مسکن (بویژه) و نظام کاربری آن دچار تحول گردد. روش تحقیق در این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه ای و مطالعات میدانی بوده است. یافته های این مقاله حاکی از آن است که جداگیزی اجتماعی روستاهای پیرامونی کلانشهر تبریز در محدوده روستاهای الوار سفلی، باغ معروف، شاه آباد مشایخ و کندرود دارای منشاء اجتماعی - اقتصادی در سطح روستاها و ساختار سیاسی در سطح کلانشهر تبریز باعث تحولات در بافت کالبدی (مسکن کاربری اراضی) شده است و مشکلات معناداری در متن و محتوای کارکردی این محدوده های زیستی سبب ساز شده است.

واژه های کلیدی : جداگیزی اجتماعی - اکولوژیکی، تحولات کارکردی - کالبدی، حوزه نفوذ، روستاهای پیرامونی، کلانشهر تبریز

1. مقدمه و بیان مسأله

محلات فقیرنشین در غرب محصول نوسانات اقتصادی، خاصه زیر و رو شدن صنایع، بیکاری ادواری انبوه کارگران و وجود دائمی سپاه ذخیره صنعتی بود. تمایزات شدید نژادی و مذهبی مهاجرین در کشورهای اروپایی و آمریکایی از عوامل عمده جدایی گزینی شده است. در کشورهای جهان سوم به ویژه ایران، جدایی گزینی و اسکان غیر رسمی محلات فقیرنشین پیامد رشد روابط و مناسبات سرمایه داری وابسته پیرامونی و نتیجتاً عدم تعادل های فضایی در سطح ملی منطقه ای و عدم عدالت اجتماعی - اقتصادی است [1].